■ **شاعر اردیبهشت** / زندگی و زمانه شاعر بزرگ انقلاب اسلامی، مرحوم دکتر قیصر امین‌پور
■ **همیشه جاری** / نوشتاری در ماندگاری قیصر امین‌پور
■ **شاعری با غم‌های مقدس** / قیصر، شعری سهل و ممتنع است

زندگی و زمانه شاعر بزرگ انقلاب اسلامی، مرحوم دکتر قیصر امین‌پور

شاعر اردیبهشت

[عزیز آذین‌فرد]

قیصر امین‌پور، شاعر و نویسنده‌ای دغدغه‌مند، زلال و اهل تنفس در هوای فرهنگ انقلاب اسلامی و سیاست بود. ارتباط ایشان با انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی انکار نشدنی است.

او شاعری انقلابی است که بخش مهمی از آثارش در حال و هوای انقلاب اسلامی و اسلام انقلابی شکل گرفته است.

او هرگز اهل معادله‌ها و معامله‌های ناپاک دنیای سیاست نبود.

آنچه گفتیم به معنای «سیاسی کردن ادبیات» نیست، بلکه به معنای «مردمی کردن» و «اجتماعی کردن» هنر و ادبیات است و مسؤولیت بخشیدن به هنر و ادبیات؛ گو اینکه اگر تعهد اقتضا کند ادبیات و هنر وارد پهنه سیاست نیز بشود (به منظور بیدارگری اجتماعی و آگاهی‌رسانی مردمی، که هنر و ادبیات متعهد جز این نتواند بود)، باید چنین شود.

البته ورود به این عرصه که گفته شد، شرطی نیز هست ضروری و مهم. آن شرط پس از داشتن صلاحیت ادبی و هنری- و پس از «هنرمند بودن»- داشتن صلاحیت اخلاقی و اجتماعی است، و سلامت جهت‌گیری، و صداقت تعهد و آگاهی در شناخت، و ایمان داشتن به ارزش‌های اسلام ناب محمدی.

چنین شخصیتی هیچ‌گاه در دام سیاسی‌کاران چپ و راست و ارتجاع‌گرایان اسیر و گرفتار نخواهد شد.

آری! باید قیصر را از شاعران ترازمند و فرازمند شعر انقلاب اسلامی دانست.

حالا می‌خواهم درباره محبوبیت قیصر و اقبالی که در میان مخاطب خاص و عام داشت بنویسم.

■ **رمز محبوبیت «قیصر» چیست؟**

سؤال مطرح‌شده، از ابعاد گوناگون قابل بررسی است ولی اگر بخواهیم پاسخی درخور توجه بدهیم باید به این نکته اساسی اذعان داشت که تنها شاعری که در این ۳-۲ دهه به دور از افراط و تفریط‌های رایج در شعر و شاعری و بی‌هیچ تظاهری و بی‌هیچ های‌وهوی و جنجالی، کار خود را پیش برد و شعرش با توفیق و لیاقت توأمان، توانست در میان اقشار مختلف جامعه راه خود را باز کند، بدون‌شک باید از «قیصر امین‌پور» نام برد.

با نگاهی اجمالی شاید بتوان گفت گره‌خوردگی این ۵ عنصر با همدیگر، منشوری تماشایی و جاودانه از ایشان ساخته است که عبارتند از:

■ **دلدادگی به امام خمینی(ره) و مرجعیت دینی**

«قیصر امین‌پور» بی‌شک یکی از برجسته‌ترین شاعران ۳ دهه اخیر است که هویت شاعری‌اش از رویداد شگرف انقلاب اسلامی، جداشدنی نیست. قیصر را نه در نسبت با جریان ادبیات معاصر که در نسبت با معجزه‌واره‌ای به نام انقلاب اسلامی باید شناخت و تحلیل کرد و هر گونه نقد و گزارش دیگر قطعا ناتمام و ناکارآمد خواهد بود. بدون تردید امام خمینی(ره) را می‌توان نقطه عزیمت شعر انقلاب اسلامی دانست. نفحات قدسی دم مسیحایی حضرت روح‌الله (قدس سره)، انقلابی روحانی در وی و دوستانش پدید آورد که موجبات گرد آمدن آنان را در حوزه اندیشه و هنر اسلامی سازمان تبلیغات اسلامی فراهم کرد که با رویکرد تبلیغ اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی شروع به کار کرد و همین خصوصیات روحانی چنان وی را مجذوب کرد که امام خمینی(ره) را طلایه‌دار مردان خدا می‌دانست:

مردی که طلایه‌دار مردان خداست
از طایفه نور نوردان خداست
قطبی که مدار چشم او قبله‌نماست
قلبش گل آفتابگردان خداست

در سایه همین دلشدگی‌اش به مولایش بود که نامش در لیست طلایه‌داران فتح لانه جاسوسی به ثبت رسید و مسؤولیت خطیر ویرایش ادبی بیانیه‌های دانشجویان پیرو خط امام(ره) را به عهده گرفت و همچنین پرشور و حال روی دیوار لانه جاسوسی شعرخوانی می‌کرد.

■ **دلدادگی به شهدا و بسیجیان**

هر جا سخن از بسیجی و شعر دفاع‌مقدس به میان می‌آید بی‌درنگ نام شاعر بسیجی مخلص «قیصر امین‌پور» در یادها و خاطره‌ها می‌شکفد. او از بن دندان به ارزش‌هایی همچون شهادت‌طلبی، عدالت‌خواهی و استکبارستیزی اعتقاد داشت، زیرا جلوه کامل آنها را در عاشورا می‌دید و ترنم‌شان را در اندرزنامه‌های همرزمان شهیدش با وسواس یک قاضی کاویده بود. لذا معتقد بود اگر چه دلاورمردان حزب‌الله با گذشت روزگاران سراپا زرد و پژمرده شده‌اند ولی خزان‌زدگی ارزش‌های انقلاب اسلامی در باورشان امری محال است و خونین‌دلی و داغدیدگی را دلایلی برای اثبات حقانیت جان‌نثاران امام عاشوراییان عصر حاضر می‌دانست:

سراپا اگر زرد و پژمرده‌ایم ولی دل به پاییز نسپرده‌ایم
چو گلدان خالی، لب پنجره پر از خاطرات ترک خورده‌ایم
اگر داغ دل بود، ما دیده‌ایم اگر خون دل بود، ما خورده‌ایم
اگر دل دلیل است، آورده‌ایم اگر داغ شرط است، ما برده‌ایم

جوان‌مرگی عجیب او را شاید باید نتیجه لاطائلات «شبه‌لیبرال‌ها» و «شبه‌روشنفکرانی» دانست که حتی پس از پرواز مسیحایی‌اش او را به خاطر سرایش «شعری برای جنگ» مورد هجمه‌های ناجوانمردانه قرار دادند که شاعر نمی‌تواند جنگ را ستایش کند و...

در حالی که یکی از اشعاری که ایشان بسیار دوست داشتند همین شعر بود و به دفعات این شعر را می‌خواندند و حضار گریه می‌کردند، چراکه قرائت این شعر ایشان را به حال و هوای دزفول و روزهای جان‌نثاری‌ها و جان‌فشانی‌ها می‌برد و جهت شرکت در شعرخوانی‌های دفاع‌مقدس بسیار مصمم بود.

دکتر محمدرضا سنگری در جلسه ارزیابی و بررسی داوری یازدهمین دوره کتاب سال دفاع‌مقدس از قول قیصر نقل کرده بود که: «شاید من شعر ۲۰ سال پیش را نگویم با آن لون و لعاب اما امروز از سروده‌های سال‌های گذشته قویا دفاع می‌کنم».

■ **آراستگی قیصر به چندین هنر**

قیصر از معدود شاعران معاصر است که به چندین هنر آراسته شده بود که نقاشی یکی از آنهاست. او نقاش بسیار زبردستی بود و چنان تخصصی در زمینه هنرهای تجسمی داشت که هم صاحب‌نظر بود و هم آن را بخوبی می‌فهمید و تجزیه و تحلیل می‌کرد.

نقاشی او نیز همچون شعر او زیباست. گویی با نقاشی‌هایش شعر می‌گفت و با اشعارش نقاشی می‌کرد. و این ویژگی منحصربه‌فرد را از شاعر صدای پای آب «سهراب سپهری» به ارث برده بود. او در خوشنویسی هم در اقسام خط‌ها دستی داشت و صاحب خطی بسیار خوش بود. «سیدالشعرای انقلاب اسلامی» یعنی «زنده‌یاد دکتر سیدحسن حسینی» می‌گفت: وقتی در دانشگاه الزهرا همکار بودیم هنگامی که بعد از قیصر به کلاس می‌رفتم دلم نمی‌آمد نوشته‌های قیصر را از روی تخته پاک کنم. یعنی احساس می‌کردم باید دوربینی می‌داشتم و از آن تخته و صحنه عکس می‌گرفتم و بعد پاک می‌کردم، وقتی مجبور می‌شدم نوشته‌های قیصر را پاک کنم واقعا با اندوه باطنی این کار را می‌کردم. ادبیات کودک و نوجوان یکی دیگر از هنرهایی است که قیصر به آن آراسته شده بود. هر خواننده خوشی‌ذوقی پس از خواندن لطایف نوجوان‌پسندش طوفان در پرانتز، بی‌بال پریدن، گفت‌وگوهای بی‌گفت‌وگو، به قول پرستو، ظهر روز دهم و مثل چشمه، مثل رود با شاعری مواجه می‌شود که شعرش همانند نثر شاعرانه‌اش روان، شفاف و با پشتوانه‌ای از تفکر نیرومند و سرشار و عاطفه‌ای بارور همراه است. یکی از مهم‌ترین عناصر ارتباط با کودکان و نوجوانان در شعر استفاده از واژه‌های موزون و خوش‌آهنگ و وزن ریتمیک است و امین‌پور با هنرمندی هر چه بیشتر از آن بهره‌ور شده است.

■ **مردمی بودن**

امین‌پور چه داشت که همگان معتقد هستند او شاعر روزگاران خواهد ماند؟ لازم می‌آید برای گره‌گشایی از این راز به آخرین فرازهای وصیت‌نامه مرحوم دکتر شریعتی مراجعه کرد: «نخستین رسالت ما، کشف بزرگ‌ترین مجهول غامضی است که از آن کمترین خبری نداریم و آن «متن مردم» است و پیش از آنکه به هر مکتبی برویم، باید زبانی برای حرف زدن با مردم بیاموزیم و اکنون گنگیم. ما از آغاز پیدایش‌مان زبان آنها را از یاد برده‌ایم و این بیگانگی قبرستان همه آرزوهای ما و عبث‌کننده همه تلاش‌های ماست».

آری! او از میان مردم برخاست، با مردم زیست و بعد هم که جنگ پیش آمد با داغ‌هاشان سوخت و با لبخندهاشان بانگ پیروزی سر داد. بنابراین بجاست که او را شاعر مردم در عصر انقلاب اسلامی بنامیم. مراسم تشییع جنازه او بهترین دلیل برای این ادعاست که برای بسیاری از مدعیان عرصه ادب و هنر عبرت‌انگیز است.

امین‌پور در طول عمر پربرکتش چنان قلب‌های مردم را تسخیر کرد که او را تریبون خود می‌دانستند؛ تریبونی که دردهای نگفتنی و نهفتنی ستمکشان، زاغه‌نشینان، تباه‌روزان و سیاه‌بختان از حنجره اشعار او به گوش جامعه می‌رسید. آری! این جان‌نثاری و جان‌فشانی‌ها بود که با عروجش، رهبر هنرمند و عزیز انقلاب را به معنای واقعی کلمه داغدار کرد و فرمودند: یاد مرحوم قیصر امین‌پور -که حقیقتا ما را به معنای واقعی کلمه داغدار کرد- بخیر. پس از مرحوم سیدحسن حسینی دل‌مان خوش بود به امین‌پور که او را هم از دست دادیم.

■ **اول عالم بود بعد شاعر**

بدون‌تردید ذوق ادبی و هنر جذاب و تأثیرگذار شاعری، مثل دیگر استعدادهای وجودی انسان، نیازمند عوامل متعددی است که یکی از آنها مطالعات گسترده ادبی و گره‌خوردگی آن با فرهنگ و اندیشه پویای دینی بویژه شیعی است.

انتشار مجموعه‌اشعار «در کوچه آفتاب» و «تنفس صبح» در ۲۵ سالگی از ذوق و خلاقیت و فرهیختگی درون و در عین حال دانش و فرزانگی گسترده «قیصر» خبر می‌دهد. یکی از عالمانه‌ترین نقدهای آن دوران، نقدی بر «قیام نور» زنده یاد نصرالله مردانی بود که در جنگ هفتم سوره به چاپ رسید. در آنجا او را منتقدی با دید و وجدان علمی و دور از هر نظر شخصی و با میزان‌های منطقی و علمی شاهد و ناظر هستیم.

اما وجه دیگر از برجستگی و برازندگی علمی «امین‌پور» فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقاتی ایشان است که متأسفانه زیر سایه سنگین همای سعادت شاعری‌اش به چشم نمی‌آید. به گفته دکتر شفیعی کدکنی، رساله «سنت و نوآوری در شعر معاصر» قوی‌ترین رساله‌ای است که در دانشکده ادبیات دفاع شده است؛ رساله‌ای که شایسته است جزو دروس جامع دانشگاهی قرار گیرد تا دانش‌پژوهان بتوانند هر چه بیشتر با لایه‌های نامکشوف ادبیات معاصر و شخصیت فرزانه «امین‌پور» آشنا شوند. عضویت او در فرهنگستان زبان و ادب فارسی آن هم به عنوان جوان‌ترین عضو، گواه دیگری است بر توانمندی‌های علمی‌اش. نکته قابل تأمل اینکه او در حالی توانست قله‌های پیشرفت و تعالی را فتح کند که شبیخون زدن «جاده شاعرکش شمال» قامت نازنینش را زیر بار درد خم کرده بود و چنگ انداختن آن به چهره تکیده‌اش گویای این حقیقت تلخ بود.

قیصر، امین رازهای سر به مهر بود. او در صبح انقلاب اسلامی تنفس کرد و به شیوه گل‌های آفتابگردان زائر آفتاب شد. او «بی‌بال پریدن» را از پاک‌سیرتان بسیجی به ارث برد و به همراه زنده‌یادان سلمان هراتی و دکتر سیدحسن حسینی «از کوچه آفتاب» گذشت. خداوند روح قیصرانه‌اش را با اصحاب عاشورایی «ظهر روز دهم» محشور گرداند.

نوشتاری در ماندگاری قیصر امین‌پور

همیشه جاری

[حمیدرضا شکارسری]

دلایل ماندگاری یا ناماندگاری آثار هنری را می‌تواند به ۲ گروه عمده درون‌متنی و برون‌متنی تقسیم کرد. دلایل درون‌متنی به قوت و ضعف و ویژگی‌های ساختاری و فرمیک خود متن مربوط می‌شود اما دلایل برون‌متنی به نوع ارتباط متن با گفتمان‌های سیاسی -اجتماعی -فرهنگی رایج در جهان بیرون از آن برمی‌گردد. به‌ندرت بروز یکی از این ۲ گروه، موجب ماندگاری اثر هنری می‌شود و معمولا همراهی مجموعه‌ای از عوامل است که اثر هنری را در ذهن و زبان‌ها جاری ساخته و زنده نگاه می‌دارد. همین جا یادآوری می‌شود که این ذهن و زبان می‌تواند مربوط به عموم مردم یا قشر مخاطبان جدی و فعال و متخصص هنر باشد. به عبارت دیگر، اثری می‌تواند در میان عامه مردم ماندگار باشد یا برعکس تنها در ذهن و زبان متخصصان آن هنر زنده باشد و یا در بهترین حالت در جمع هر ۲ گروه به حیات خود ادامه دهد.

شعر «قیصر امین‌پور» حداقل تا امروز، بی‌تردید در مجامع حرفه‌ای و آماتور ادبی زنده بوده است و از خود رد پا به جا گذاشته است. دلایل این ماندگاری طبعا هم به نوع شعر او وابسته است و هم به عواملی ورای شعرش.

مهم‌ترین دلیل ماندگاری شعر «امین‌پور» را می‌توان در تعادل او در شعر دانست. این تعادل بین فرم و محتوا از یک سو و بین سنت و نوآوری از سوی دیگر برقرار شده است. او در کتاب باارزش «سنت و نوآوری در شعر معاصر» همواره بر تعادل میان این دو تاکید می‌ورزد تا آنجا که مخاطب، مشرب فکری او را تعادل و میانه‌روی می‌یابد. «امین‌پور» این مشرب را به تمام در اکثریت شعرهای خود منعکس می‌سازد. او هم به قوالب سنتی و هم به قالب نیمایی به یک اندازه توجه می‌کند. زبان شعری او حتی در قوالب سنتی چون غزل و رباعی نو است اما هرگز شعر خود را در فرم‌های پیچیده عرضه نمی‌کند و بازی‌های زبانی را از حدی معمول فراتر نمی‌برد. او اهل خطر کردنی افراطی با زبانی نیست که صدها سال چکش خورده و دهها سال در معرض وزش تندترین توفان‌های نوگرایی‌های افراطی بویژه در دهه ۷۰ قرار گرفته است. به این ترتیب او در یک رده‌بندی کلی در جریان شاعران ساده‌سرا قرار می‌گیرد، جریانی که در عین سادگی خالی از عمق معنا و فرم‌های کلیشه نشده نیست. از همین رو است که متخصصان دانشگاهی و مردم کوچه‌بازار به یک نسبت از عبارت «ناگهان چقدر زود دیر می‌شود» استفاده می‌کنند؛ عبارتی که همان‌قدر که ساده است حاوی هم‌خوانی با شرایط مختلف زندگی انسانی را دارد و همان‌قدر قابلیت معناست که از صنعت شعری پارادوکس بهره‌ای درست برده است.

افراط در نوگرایی اگر چه ممکن است موجب رونق اثر در مجامع تخصصی هنری شود اما به احتمال زیاد طیف مخاطبان عمومی اثر را محدود می‌کند و «امین‌پور» هرگز اهل افراط در نوگرایی نیست. او در کتاب «سنت و نوآوری در شعر معاصر» می‌نویسد: من آدمی دوزیست بودم. هم در مطبوعات بودم و هم در دانشگاه. دانشگاه از من توقع داشت که نوآوری را از چشم‌انداز سنت بررسی کنم و دوستان مطبوعات برعکس. من سرگردان تصمیم گرفتم راه سومی را برگزینم. به قول «گادامر» یک جور فاصله‌گرایی (بیرون از هر ارزش و پیش‌فرضی به سوژه نگریستن و این یعنی یک کار علمی).

رعایت اصلی علمی اگر چه هنگام خلق یک اثر هنری و ادبی دشوار است و کم و بیش با رهایی و آزادی هنرمند و شاعر در تضاد است اما «امین‌پور» بخوبی از پس این تعادل برمی‌آید. مثلا دایره واژگانی اشعار او نه کاملا کهن است و نه کاملا روزمره اما دکلماسیون کلی زبان در شعر او نو است و همین نویی صمیمیتی خاص به شعر او بخشیده است؛ صمیمیتی که به رونق بیشتر شعر او می‌انجامد.

عمری به جز بیهوده بودن سر نکردیم
تقویم‌ها گفتند و ما باور نکردیم

محتوا و موضوعات شعری او نیز از زندگی روزمره مردم سر برآورده است، لذا ارتباط با آن ساده‌تر بوده و فاصله‌گیری آگاهانه او را از فرمالیسم خام و زبان‌مداری افراطی در شعر توجیه می‌کند.

یک ماه تمام میهمانت بودیم
یک روز به مهمانی این خانه بیا

معانی و محتواهایی که وابسته به دوره و روزگاری خاص نیست و در گفتمان فرهنگی ما، همه زمانی و همه مکانی به حساب می‌آید.

***

«قیصر امین‌پور» شاعری حرفه‌ای بود و نه صاحب دولتی مستعجل و تصادفی. دهه‌ها فعالیت ادبی اعم از شاعری و پژوهش و تحقیق او را در مجامع تخصصی ادبیات به چهره‌ای قابل اعتنا و احترام بدل کرده است. همین مقبولیت بسامد تکرار نام و آثار او را در مجامع و تریبون‌های ادبی افزایش می‌دهد و موجب ماندگاری او می‌شود. از این گذشته حضور مستمر او در نشریات تصویری، مکتوب (مثلا در کتب درسی) و مجازی در سیر و گردش مدام او در ذهن و زبان مخاطبانی از هر قشر فکری و هنری مفید و موثر بوده است.

در خاتمه می‌توان به شخصیت حقیقی او به عنوان انسانی هنرمند اشاره کرد که موجب محبوبیت فوق تصور او شد؛ شخصیتی متواضع، پاکباز، متعادل، مهربان، آرام و دانشمند که در کل برای هر مخاطبی دوست‌داشتنی و ملیح بود. دوری او از جنجال‌های سیاسی و اجتماعی و ادبی نیز به جذابیت بیشتر شخصیت او انجامید؛ فاصله‌گیری آگاهانه‌ای که البته هرگز به‌مثابه خنثی بودن او نبود، بلکه باز هم به همان آرامش و تعادل ذاتی او مربوط می‌شد. آرامش و تعادلی که به طور مثال در آخرین شعرهای او رخ نمود و اعلام مواضع فکری شاعر را بیش از پیش در لفافه‌ای از استعاره و نماد قرار داد اما پخته‌تر و عمیق‌تر کرد.

پشت میله
بر کف زندان
کپه‌ای زنجیر!

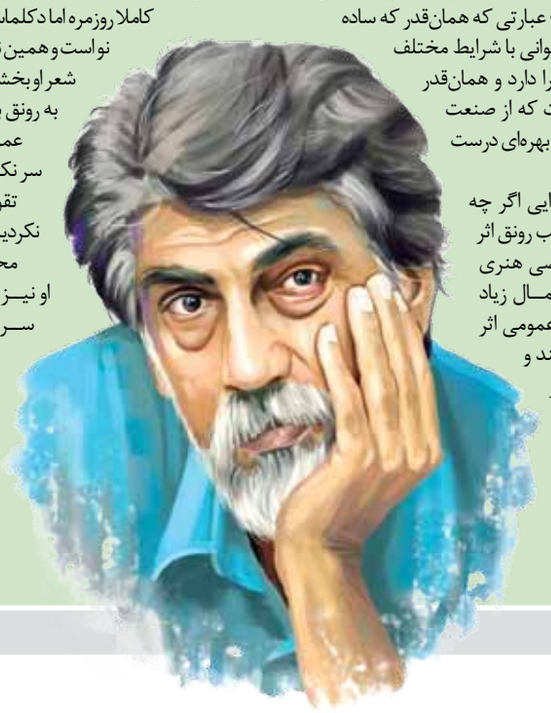

قیصر، شعری سهل و ممتنع است

شاعری با غم‌های مقدس

[سیده‌فرشته حسینی]

صحبت کردن پیرامون شعر و شاعر همواره دشوار بوده است. اشخاص در مواجهه با شاعران عمدتا خواستار این هستند که از سیر و سلوک شاعرانه آنها باخبر شوند؛ چه شد شاعر شدی؟ و چگونه شعر می‌نویسی؟ و سوالاتی از این قبیل، این در حالی است که این سوالات تقریبا جوابی ندارد و اگر هم جوابی داشته باشد، جواب هر شخص با شخص دیگر متفاوت است، برای همین به نظرم اگر می‌خواهیم شاعری را بشناسیم یا با حال و هوای شاعری‌اش همراه شویم، بهتر است او را در شعرهایش جست‌وجو کنیم، چرا که حتی اگر شاعر میان ما نباشد شعر همیشه می‌ماند و آوازه شاعر را نیز ماندگار می‌کند.

به زبانی دیگر وقتی یک فیلم می‌بینیم یا یک رمان می‌خوانیم و خود را جای شخصیت اصلی داستان می‌گذاریم با غم‌هایش غمگین می‌شویم و با شادی‌هایش شاد؛ گویی که ما هم با او زیسته باشیم، حالا برای درک شاعر هم باید به قلب شعرهایش برویم.

صحبت از قیصر امین‌پور است؛ شاعری با غم‌های امیدبخش و شادی‌های غمگینانه، شاعری که حتی دلتنگی در شعرهایش تقدس دارد، عاشقانه‌های شعرش طهارت دارند و سروده‌های آیینی‌اش هم عاشقانه‌اند.

از هر چه می‌گوید انگاری دارد حرف دل تو را می‌زند، او اگر برای ارزش‌ها شعر می‌سراید، هرگز لباس تملق یا تصنعی بودن به کلماتش نمی‌پوشاند.

شناختن قیصر در شعرهایش اصلا کار پیچیده‌ای نیست؛ او ساده است، صمیمی است، خسته است اما امیدوار، حتی اگر زرد و پژمرده شده اما دل به پاییز نمی‌سپارد، درد می‌کشد و البته آسوده است، غمگین و شاد است و از پس این احوال به نقطه‌ای متعادل رسیده است.

حکیمانه سخن می‌گوید؛ در عین اینکه عارفانه هم می‌سراید، در شعرهایش صداقت دارد یعنی تا چیزی را قلبا باور نداشته باشد وارد ساحت شعر نمی‌کند؛

تو را با تپش‌های قلبم سرودم
به این واژه‌ها احتیاجی ندارم

او اگر شعر باشد شعری سهل و ممتنع است که به ظاهر ساده است و مانند او را سرودن غیرممکن.

همه اینها و هزاران دلیل دیگر باعث می‌شود که با جرأت بگوییم او شاعری بی‌بدیل است، تاثیر او بر شعر انقلاب بر هیچ کس پوشیده نیست؛ برخی اگر بخواهند این را انکار کنند راهی برای آن ندارند، چرا که این تاثیر و تعهد در شعرهای او وجود دارد.

اگر امروز شعر انقلاب تا این حد بالا رفته، قطعا یکی از دلایلش وجود اسوه‌ای چون قیصر است و به جرات می‌توان گفت اگر او نبود شعر انقلاب جایگاه کنونی‌اش را به دست نمی‌آورد.

او شاعری دغدغه‌مند بود که دغدغه‌هایش را بدون چشمداشت و توقع و بی‌آنکه در بند توبیخ یا تعریف کسی باشد، می‌سروده است.

«من» شخصی او همان «من» اجتماعی است، واضح‌تر بگوییم او وقتی خود را روایت می‌کند، دارد جامعه را روایت می‌کند و فردیت کمتر در شعرش دیده می‌شود.

نگاه او به شعر نگاهی مقدس است، طمع ورزانه نیست. شعر برای او وسیله نبوده بلکه زندگی بوده است.

اینها را که گفتیم احوالات شاعرانه قیصر بود. می‌خواهیم شعر او را به لحاظ ادبی نیز مورد بحث قرار دهیم. از ویژگی‌های شعر امین‌پور می‌توان به زبان مناسب، نوآوری در محتوا، کشف مضمون تازه، بازی‌های فرمی و نگاه ویژه به ساختار کلمات اشاره کرد:

و قاف حرف آخر عشق است
آنجا که نام کوچک من آغاز می‌شود

صنعت تکرار یکی از مهم‌ترین شاخه‌های بنیادی و کارآمد دانش بدیع لفظی است؛ تکرار موسیقی درونی شعر را قوی‌تر می‌کند، در ثانی «تکرار» موجب القای مفاهیم به مخاطب می‌شود و باعث می‌شود توجه بیشتری به آن بحث داشته باشد.

نه از مهر و نه از کین می‌نویسم
نه از کفر و نه از دین می‌نویسم
دلم خون است می‌دانی برادر
دلم خون است از این می‌نویسم

تاکید روی دلم خون است باعث می‌شود احساس او را بیشتر درک کنیم.

نمونه بسیار زیبای دیگر این است:

شهیدان همچون آب چشمه پاکند
شگفتا آب را با آب شوییم

در ضمن اغراض ادبی تشبیه در این بیت بیان شگفتی مشبه است. وقتی این تکرارها آگاهانه باشد باعث ایجاد پیوند میان لفظ و معنی می‌شود.

او از ظرفیت‌های قافیه بخوبی استفاده می‌کند؛ قافیه‌های میانی، قافیه صوتی و تکرار از عوامل زیبایی موسیقی شعر اوست. آنچه موجب لذت گوش و برجسته‌سازی قافیه‌های درونی می‌شود، این است که هنوز آوای قافیه درونی از ذهن خواننده محو نشده، صورت دیگری با زنگ قافیه اصلی به صدا در می‌آید؛

می‌خواهمت چنانکه شب خسته خواب را
می‌جویمت چنانکه لب تشنه آب را

گویی کلمات یک به یک متناظر با هم هم‌قافیه‌اند؛ می‌خواهمت و می‌جویمت، لب و شب، آب و خواب.

از این نمونه‌ها در شعر او فراوان یافت می‌شود. بخواهیم یا نخواهیم موافق یا مخالف باشیم، قیصر امین‌پور یکی از ستاره‌های درخشان آسمان شعر انقلاب است. برای شناختن او و شعرهایش باید بکوشیم تلاشی شاعرانه و همچنین متعهدانه داشته باشیم چرا که زیست او شاعرانه و متعهدانه بود.